

بازنمود رویدادهای حرکتی در گفتار روایی کودکان فارسی‌زبان در نگرش شناختی

حمیده پشتوان^{۱*}، فریده حق‌بین^۲، آریتا افراشی^۳

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

دریافت: ۹۲/۸/۲۰

پذیرش: ۹۲/۱۲/۵

چکیده

براساس الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی (2000b) زبان‌ها بسته به آن‌که شیوه و مسیر حرکت را در ستاک فعل یا تابع‌های آن رمزگذاری کنند، به دو رده فعل‌محور و تابع‌محور تقسیم می‌شوند. فرض تالمی بر آن است که زبان‌های هندواروپایی، به استثنای زبان‌های رومی و پسایونانی، در رده زبان‌های تابع‌محور جای می‌گیرند؛ چرا که شیوه حرکت را در ستاک فعل ادغام می‌کنند و مؤلفه مسیر را در قالب تابع فعل بیان می‌نمایند. در این پژوهش با استفاده از کلیپ‌های انیمیشن که در آن مسیر و شیوه حرکت به‌طور همزمان به نمایش درمی‌آیند، چگونگی رمزگذاری دو مؤلفه مسیر و شیوه حرکت در گفتار روایی کودکان پیش‌دبستانی فارسی‌زبان، بررسی و با گفتار بزرگسالان مقایسه شده است؛ سپس این پرسش به بحث گذاشته شده است که زبان فارسی، به‌عنوان یکی از زبان‌های هندواروپایی، در رده‌شناسی دوگانه می‌گنجد یا خیر. تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کودکان فارسی‌زبان هنگام بازگویی رویدادهای حرکتی، از همان الگویی بهره می‌گیرند که بزرگسالان برای رمزگذاری آن‌ها استفاده می‌کنند: مسیر حرکت را در ستاک فعل‌های مسیرنا ادغام می‌کنند و آن‌ها را همراه یا بدون تابع‌های مسیر (برای مسیرهای عمودی) و گروه حرف اضافه (برای مسیرهای افقی مرزگذر) به کار می‌گیرند. به این ترتیب تا آنجا که رمزگذاری مسیر در ستاک فعل یا تابع، مورد نظر است، زبان فارسی در گستره پژوهش حاضر در رده زبان‌های فعل‌محور جای می‌گیرد.

واژگان کلیدی: معنی‌شناسی شناختی، رویدادهای حرکتی، رده‌شناسی دوگانه، الگوهای واژگانی‌شدگی، تابع، زبان کودک، گفتار روایی.

دوره‌نامه جستارهای زبانی، ش ۳ (پیاپی ۲۴)، مرداد و شهریور ۱۳۹۴، صص ۱۹-۴۳



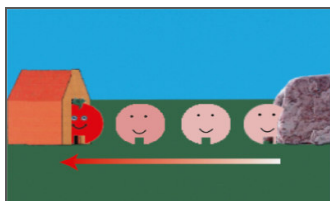
۱. مقدمه

حرکت، تجربه‌ای دائمی در زندگی انسان است. همه ما حرکت را در زندگی روزمره تجربه می‌کنیم و در ارتباطاتمان با سایرین به آن نیاز داریم. طبیعی است حوزه‌های چنین فراگیر که زمینه تجربه مشترک نزد اهل زبان‌های گوناگون است، بازنمود زبانی گسترده‌ای دارد. از همین روست که تالمی (2000b) برای بررسی رابطه میان صورت زبانی و معنی، حوزه حرکت و رویدادهای حرکتی^۱ را انتخاب کرده است و چگونگی بازنمایی مؤلفه‌های معنایی آن در صورت‌های زبانی را در قالب الگوهای واژگانی‌شدگی^۲ شرح می‌دهد. بر این اساس او دو جهت را پیش می‌نهد؛ یکی آن‌که عنصری زبانی (مانند فعل) را در نظر بگیریم و نوع و تعداد عناصر معنایی که در ستاک آن ادغام^۳ می‌شوند و در زبان متبلور می‌گردند را بررسی کنیم که این امر به رده‌بندی سه‌گانه زبان‌ها می‌انجامد. جهت دیگر نیز آن است که مؤلفه‌ای معنایی مانند مسیر حرکت (که جزئی ناگزیر در یک رویداد حرکتی است) را ثابت فرض کنیم و چگونگی بازنمایی آن را در زبان مورد مطالعه قرار دهیم. این جهت به رده‌بندی دوگانه زبان‌ها در دو دسته زبان‌های تابع‌محور^۴ و فعل‌محور^۵ می‌انجامد. تالمی بر این باور است که خانواده زبان‌های هندواروپایی، به‌جز رومی و پسایونانی^۱، در رده زبان‌های تابع‌محور جای می‌گیرند و انبوه پژوهش‌های انجام‌شده روی زبان‌های این خانواده، درستی ادعای وی را ثابت کرده است. حال پرسش این است که اساساً مؤلفه‌های مسیر و شیوه حرکت در زبان فارسی چگونه در زبان گفتار بازنمود می‌یابد و این‌که آیا زبان فارسی، به‌عنوان یک زبان هندواروپایی به رده تابع‌محور تعلق دارد؟

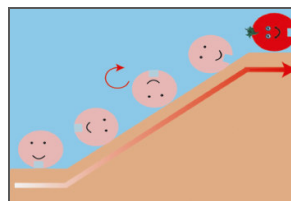
۲. جامعه آماری و روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش که با هدف پاسخ به دو پرسش پیش‌گفته انجام شده است، گفتار روایی کودکان را مورد بررسی قرار داده و ویژگی‌های رمزگذاری رویدادهای حرکتی در زبان کودکان با بزرگسالان فارسی‌زبان را مقایسه نموده‌ایم. به این منظور، ۲۵ کودک پیش‌دبستانی در قالب گروه آزمودنی و ۲۱ بزرگسال و دانشجو در قالب گروه گواه در این پژوهش شرکت کردند. ابزار فراخوانی^۶ در این پژوهش، بسته محرک‌های زبانی «سه‌گانه‌های

رویداد^۱ بوده است که در مؤسسه پژوهشی مکس پلانک^۲ طراحی و ساخته شده است. این بسته حاوی ده کلیپ انیمیشن پنج ثانیه‌ای است که در هر یک از آنها، شخصیتی به نام «آقای گوجه‌فرنگی» در حال پیمودن مسیری عمودی یا افقی به تصویر کشیده می‌شود. آقای گوجه‌فرنگی هر مسیر را با شیوه‌ای خاص می‌پیماید.



ب



الف

شکل ۱. نمایی از کلیپ‌های انیمیشن «سه‌گانه‌های رویداد»، عنصر برجسته، زمینه، شیوه و مسیر حرکت

پس از نمایش هر یک از کلیپ‌ها بر صفحه نمایش لپ‌تاپ در اتاق خلوت با حضور آزمون‌ور و پژوهشگر، از آزمون‌وران خواستیم آنچه را دیده‌اند برای پژوهشگر بازگو کنند و گفتار کودکان و بزرگسالان را نیز هم به صورت صوتی و هم تصویری ضبط نمودیم. در مرحله بعد همه گفتارها را پیاده‌سازی نموده تا برای بررسی چگونگی نگاشت عناصر معنایی حرکت در زبان، مورد استفاده قرار دهیم. در ادامه، پس از مرور پیشینه پژوهش‌های حوزه رویدادهای حرکتی، مبانی نظریه‌الگوهای واژگانی‌شدگی، رویدادهای حرکتی و رده‌شناسی دوگانه را به اختصار شرح داده و سپس فعل‌های غیر ساده و تابع در زبان فارسی را توضیح داده و در ادامه نیز به تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بی‌شماری با الهام از نظریه تالمی (2000b) در باب رویدادهای حرکتی و به پیروی از نظریه «فکرکردن برای صحبت کردن»^۱ اسلاوین^{۱۱} (2004) با محور نسبیت زبانی

انجام شده‌اند که مهم‌ترین نتایج حاصل از آن‌ها در قالب دو جلد کتاب با عنوان بازگویی رویدادها در گفتار روایی به چاپ رسیده است. ویراستار نخستین جلد آن، برمن و اسلابین (1994)^{۱۲} و ویراستاران دومین جلد نیز امکوویست، ورهون و اشترومکوویست^{۱۳} (2004 & 2013) بوده‌اند.

تا آنجا که پژوهش‌ها نشان داده‌اند، گفتار روایی کودکان در زبان‌های گوناگون از ویژگی‌های خاص ردهٔ زبانی‌شان تأثیر می‌پذیرد. این ویژگی‌ها کمابیش در همهٔ زبان‌های متعلق به یک ردهٔ زبانی مشترک هستند و این به معنی آن است که نمی‌توان تأثیر جهانی‌ها را به‌طور کامل نادیده انگاشت. عدهٔ دیگری از پژوهش‌ها با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان‌های هم‌رده به این نتیجه رسیده‌اند که رده‌بندی دوگانهٔ تالمی باید انعطاف‌پذیرتر باشد، زیرا همهٔ زبان‌هایی که در یک رده قرار می‌گیرند، برای بازنمایی همهٔ رویدادهای حرکتی الزاماً از ابزار زبانی مشابه استفاده نمی‌کنند و گاهی بسته به نوع رویداد، رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهند. از همین‌رو پژوهشگرانی چون اسلابین، زلاتو^{۱۴}، هیکن^{۱۵} و دیگران پیشنهاد کرده‌اند بهتر است به‌جای دو ردهٔ مستقل، پیوستاری از زبان‌های تابع‌محور و فعل‌محور در نظر گرفت.

حامدی و شریفی (۱۳۹۲) براساس معیارهای پیشنهادی تالمی (2000b)، تابع‌هایی از جمله پیشوندهای فعلی (مانند *فر-*، *فرو-*، *اندر*، *باز-*، *بر-*، *فراز-* و *فرو-*) نیز پیشنهاد می‌دهد که نمود استمراری را نشان می‌دهد و همچنین سازهٔ فعل‌یار (جزء غیر فعلی) در فعل‌های مرکب مسیر یا شیوهٔ حرکت را «قمر» یا تابع نامیده‌اند (مانند *بالا در بالارفتن و شنا در شناکردن*). به این ترتیب معتقدند از آنجا که مسیر و شیوهٔ حرکت گاهی در قالب تابع بیان می‌شوند و گاه در ستاک فعل واژگانی می‌شوند، نمی‌توان زبان فارسی را در ردهٔ تابع‌محور یا فعل‌محور قرار داد و بهتر است این رده‌بندی را به‌صورت پیوستار در نظر گرفت. در آن‌صورت، جایگاه زبان فارسی در میانهٔ این پیوستار خواهد بود.

ازکیا (۱۳۹۰) به بررسی فعل‌های حرکتی استخراج‌شده از دو فرهنگ سخن و معین پرداخت. وی سه گروه تابع مسیر، زمینه و عنصر برجسته را در زبان فارسی معرفی کرد و در نهایت زبان فارسی را در ردهٔ زبان‌های تابع‌محور جای داد. مسگرزاده خوبی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی مشابه تلاش کرد الگوهای ادغام عناصر رویداد حرکتی را در زبان فارسی

شناسایی کند. وی با استفاده از فعل‌های حرکتی استخراج‌شده از فرهنگ سخن، ادغام مؤلفه‌های رویداد حرکتی در فعل را مورد بررسی قرار داد و بر این اساس، ادغام یک واحد معنایی مسیر یا شیوه در ستاک فعل را رایج‌ترین الگوی واژگانی‌شدگی معرفی کرد. وی همچنین رده‌شناسی دوگانه تالمی (2000b) را با استناد به پژوهش‌های اسلابین و برمن (1994) و ایبارتس-آنتونیه‌نو^{۱۶} (2004) به چالش کشید.

در تنها پژوهشی که به بررسی بازنمود رویدادهای حرکتی در گفتار روایی فارسی‌زبانان در مقایسه با انگلیسی‌زبانان پرداخته شد، فیض زرین‌قلم (2011 & 2007) از دو فیلم کوتاه استفاده کرد. وی براساس داده‌های حاصل از گفتار روایی فارسی‌زبانان تهرانی مقیم آمریکا این‌گونه نتیجه گرفت که زبان فارسی، هم ویژگی‌های زبان‌های تابع‌محور را دارد (چون مسیر را در بسیاری از رویدادها در تابع واژگانی می‌کند)، هم ویژگی زبان‌های فعل‌محور را نشان می‌دهد (چون مسیر را درون ستاک فعل به همراه شیوه، ادغام می‌کند) و هم به زبان‌های دارای ساخت سریالی^{۱۷} شباهت دارد.

۴. الگوهای واژگانی‌شدگی

تالمی (2000b) به بررسی رابطه نظام‌مند میان معنی و صورت‌های آشکار زبانی^{۱۸} یا فرآیند واژگانی‌شدگی پرداخته و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرجا که یک مؤلفه معنایی خاص در پیوند با تک‌واژی خاص ظاهر شود، آنجا با واژگانی‌شدگی سروکار داریم» (Vide. Talmy, 2000b: 24). براساس نظر او «اگر فرض کنیم که می‌توان هر یک از صورت‌های زبانی (فعل، حرف اضافه، بند پیرو، تابع و...) و عناصر معنایی (عنصر برجسته^{۱۹}، زمینه^{۲۰}، شیوه^{۲۱}، علت^{۲۲}، مسیر^{۲۳} و حرکت^{۲۴}) را مستقل از یکدیگر در حوزه زبانی و معنایی در نظر گرفت، آنگاه خواهیم توانست به بررسی این موضوع بپردازیم که کدام یک از عناصر معنایی در چه عناصر زبانی رمزگذاری می‌شوند» (Ibid: 25). او برای بررسی رابطه معنی با صورت زبانی دو جهت متصور است: نخست آن‌که یک عنصر زبانی یا سطحی را ثابت در نظر بگیریم و ببینیم کدام مؤلفه‌های معنایی را به شیوه‌های گوناگون بازتاب می‌دهد؛ جهت دوم آن است که یک موجودیت معنایی خاص را ثابت فرض کنیم و ببینیم در چه عناصر زبانی نمود پیدا



می‌کند. وی در روش اول، ستاک فعل را ثابت در نظر می‌گیرد که نتیجه آن، رده‌شناسی سه‌گانه است و در روش دوم، مسیر (P) را ثابت می‌انگارد^{۲۵} که به رده‌شناسی دوگانه می‌انجامد.

۵. رویداد حرکتی

«رویداد حرکتی، وضعیتی است که در آن حرکت یا ایستایی رخ می‌دهد. این رویداد از یک عنصر برجسته (F) و یک زمینه (G) تشکیل می‌شود. عنصر برجسته در یک رویداد حرکتی، نسبت به زمینه یا حرکت می‌کند یا درحالت ایستا قرار می‌گیرد» (Ibid).

رویداد حرکتی، چهار مؤلفه درونی^{۲۶} دارد: عنصر برجسته، زمینه، مسیر و حرکت. مسیر (P) عبارت است از مسافتی که F نسبت به G دارد یا مکانی که نسبت به آن اشغال کرده است و حرکت (M)، حضور فیزیکی حرکت یا ایستایی در یک رویداد حرکتی است. نکته جالب توجه این است که زبان می‌تواند تنها دو حالت مؤلفه حرکت را از یکدیگر بازشناسد. این دو حالت براساس نظر تالمی (Vide. 2000b: 24)، عبارت‌اند از وقوع یا عدم وقوع حرکت که با واژه‌های MOVE و BELOC نشان داده می‌شوند. رویداد حرکتی از نوع MOVE نیز به دو دسته حرکت انتقالی^{۲۷} و حرکت خودشامل^{۲۸} تقسیم می‌شود. حرکت انتقالی حرکتی است که در آن موقعیت F در بازه زمانی مورد نظر نسبت به G تغییر می‌کند، اما در حرکت خودشامل حرکت عنصر برجسته نسبت به خودش مورد نظر است. حرکت‌هایی چون نوسان، اتساع، چرخش و امثال آن خودشامل قلمداد می‌شوند. افزون بر این چهار مؤلفه درونی، رویداد حرکتی یک مؤلفه بیرونی^{۲۹} به نام رویداد همراه^{۳۰} دارد که غالباً ارتباط آن رویداد حرکتی را با علت و شیوه حرکت بیان می‌کند. حال برای روشن شدن مفاهیم تعریف‌شده در بالا، به مثال زیر توجه کنید:

1. *Harry walked quietly down the stairs.*

Harry: عنصر برجسته، *the stairs*: زمینه، *down*: مسیر و فعل *walk* هم حرکت و هم رویداد همراه (شیوه حرکت) را به‌طور همزمان دربردارد.

2. *The pencil rolled off the table.*

در این جمله، عنصر برجسته، مداد، به شیوه «قل‌خوردن» از روی میز به پایین افتاده و

مسیر حرکت، با حرف اضافه *off* نشان داده شده است.

3. *The pencil blew off the table.*

در این جمله، فعل *blow* افتادن مداد را در اثر وزش باد یا فوت کردن نشان می‌دهد. اکنون که مؤلفه‌های اصلی رویداد حرکتی به اختصار از نظر گذشت، در ادامه به الگوهای واژگانی‌شدگی رویدادهای حرکتی می‌پردازیم. براساس آنچه پیشتر به نمایش درآمد، تالمی (2000b) با توجه به این‌که کدامیک از عناصر معنایی یا صورت‌های زبانی را ثابت فرض کنیم، دو رده‌شناسی را پیش می‌نهد که یکی دوگانه و دیگری سه‌گانه است. در رده‌بندی دوگانه که تمرکز این مقاله بر آن است، عنصر معنایی مسیر ثابت در نظر گرفته می‌شود و نگاشت آن در ستاک فعل و یا تابع مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتیجه این بررسی‌ها، رده‌بندی زبان‌ها در دو گروه فعل‌محور یا تابع‌محور است. در ادامه، به معرفی مقوله تابع و انواع آن پرداخته می‌شود.

۶. تابع فعل و انواع آن

«تابع»، مقوله‌ای دستوری است و اجزایی را شامل می‌شود (به‌جز گروه اسمی یا گروه حرف‌اضافه) که خواهر ستاک فعل هستند. در واقع، ستاک فعل به همراه تابع‌هایش گروه فعلی را می‌سازد که میان آن و اجزایی نظیر گروه اسمی مفعول مستقیم، رابطه هسته و وابسته برقرار است. تابع‌ها می‌توانند وندهای وابسته^{۳۱} یا واژه‌های آزاد باشند. ادات فعلی^{۳۲} در زبان انگلیسی، پیشوندهای جدانشدنی و جدانشدنی در زبان آلمانی و پیشوندهای فعلی در زبان لاتین یا روسی از جمله تابع‌ها هستند (Talmy, 2000b: 102). از آنجا که ممکن است مقوله حرف اضافه و تابع به دلیل شباهتشان با یکدیگر اشتباه شوند، دو معیار اساسی برای بازشناسی این دو گروه از سوی تالمی معرفی شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود: از نظر آوایی، تابع برخلاف حرف اضافه، تکیه‌بر است. از نظر ساخت سازه‌ای، تابع همواره همراه فعل می‌آید؛ درحالی‌که حرف اضافه همیشه با گروه اسمی متممی همراه است که اگر برای مخاطب شناخته‌شده باشد، از جمله حذف می‌شود و با حذف آن به‌ناچار، حرف اضافه نیز حذف می‌گردد. اما تابع هرگز با وابسته گروه اسمی همراه نیست و بنابراین به‌تنهایی در کنار فعل قرار می‌گیرد. در زبان انگلیسی بیشتر تابع‌ها مسیر را نشان می‌دهند و

معمولاً به همراه گروه حرف اضافه قابل حذف به کار می‌روند. حذف گروه حرف اضافه مستلزم آن است که گروه اسمی متمم یا اشاری^{۳۳} باشد یا ضمیر مرجع‌دار^{۳۴}؛ یعنی زمینه برای مخاطب شناخته شده باشد (Ibid: 102- 103).

4. *I ran out of the house.* (تابع به همراه گروه حرف اضافه)

5. *I ran out.* (تابع بدون گروه حرف اضافه).

تابع می‌تواند حاوی اطلاعاتی چون مسیر، مسیر+ زمینه، زمینه (+ عنصر برجسته) و یا شیوه حرکت باشد (نک. جدول ۱). نوع دوم و سوم تابع‌ها در زبان‌های بومی آمریکایی پرکاربرد هستند و تابع‌هایی که شیوه را رمزگذاری می‌کنند، نادر بوده و تنها در زبان نژپرس^{۳۵} دیده شده‌اند. در زبان‌های هندواروپایی به گواه تالمی، تابع‌ها اطلاعات مربوط به مسیر (عمودی یا افقی بودن جهت حرکت) را رمزگذاری می‌کنند (Vide. Talmy, 2000b: 101- 117).

جدول ۱ رده‌شناسی فعل و تابع‌های آن در رویداد حرکتی (Vide. Talmy, 2000b: 117)

اجزای رویداد حرکتی بازنمایی شده در:		زبان یا خانواده زبانی
تابع	سناک فعل	
-	حرکت + مسیر	رومی سامی پلی‌نژ ^{۳۶}
شیوه	حرکت + مسیر	نژپرس
(عنصر برجسته) زمینه	حرکت + مسیر	کادو ^{۳۷}
مسیر	حرکت+ رویداد همراه	هندواروپایی (به جز رومی) چینی
مسیر + زمینه و علت	حرکت + عنصر برجسته	آتسوگوی ^{۳۸}

۷. رده‌شناسی دوگانه و جایگاه زبان فارسی

برای آن‌که بتوانیم تصویر روشنی از وضعیت زبان فارسی در رده‌شناسی دوگانه تالمی به

دست دهیم، باید در ابتدا فعل و تابع‌های فعل را در این زبان بشناسیم. در پژوهش حاضر از تقسیم‌بندی ساسانی (۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) برای طبقه‌بندی فعل‌های فارسی استفاده نموده‌ایم که بر پایه رویکرد نقش‌گرایی شکل گرفته است و پس از آن، مقوله‌ی تابع را در زبان فارسی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۷. فعل غیر ساده فارسی

ساسانی (۱۳۹۰، ۱۳۹۲) فعل غیر ساده فارسی را به‌لحاظ ساختاری به چهار دسته فعل گروهی، ساخت ربطی (ویژگی و خودایستا)، فعل‌های جهت‌نما (قید + فعل واژگانی) و فعل‌های اصطلاحی تقسیم می‌کند. در این بخش به مرور آن بخش از فعل‌های غیر ساده می‌پردازیم که در گستره این پژوهش می‌گنجند.

فعل گروهی: این فعل‌ها از دو سازه فرآیندنا و فعل‌نما تشکیل می‌شوند. فعل‌نما سازه خودایستایی است (فعل‌های سبک یا همکرد) که به‌لحاظ شخص، شمار، زمان، وجه و نمود تصریف می‌شود. سازه فرآیندنا می‌تواند اسم یا گروه اسمی و یا عبارت حرف اضافه‌ای باشد که می‌توان آن‌ها را نیز اسم در نظر گرفت (ساسانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). در فعل‌های غیر ساده‌ای مانند *قدم‌زدن*، *چرخ‌خوردن*، *لیله‌کردن*، *لیزخوردن*، *بپروبالا کردن* و مانند آن‌ها، *قدم*، *چرخ*، *لیله*، *لیز* و *بپروبالا* فرآیندنا هستند و دامنه فرآیندهای مادی را مشخص می‌کنند.

فعل جهت‌نما: فعل‌هایی که از دو سازه قیدی و فعل جهت‌نما تشکیل می‌شوند. سازه قیدی مانند *بر*، *در*، *فرا*، *فرو*، *پایین*، *بالا*، *باز* و فعل‌های جهت‌نما مانند *آمدن*، *رفتن*، *بردن*، *آوردن* و *گشتن*، *بالارفتن*، *پایین آمدن*، *برگشتن*، *درآمدن*، *تو رفتن* و مانند آن‌ها از جمله این فعل‌های غیر ساده هستند.

ساخت رابطه‌ای: ساخت متشکل از ویژگی و فرآیند رابطه‌ای^{۳۹} یا همان فعل اسنادی. این ساخت‌ها بسیار زایا هستند و در واژگان فهرست نمی‌شوند. این دسته از فعل‌ها در قالب سه الگو بازنمایی می‌شوند:

الف. ویژگی^{۴۰} (یا همان مسند) + فعل رابطه‌ای ایستا (است، هست، باش، بود و...) مانند نگرانت بودم؛



ب. ویژگی + فعل رابطه‌ای آغازی که تاحدی شبیه فرآیندهای مادی ناگذر است و بر رخ دادن نیز دلالت دارد (شد، شو، گشت، گرد و...)؛ مانند *از این بدتر نمی‌شه*.
ج. ویژگی + فعل مادی سببی (کرد، کن، ساز، ساخت و...) مانند *دعوت کرد* (ساسانی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۵).

در پژوهش حاضر، ضمن در نظر گرفتن تقسیم‌بندی بالا و نیز با توجه به آن‌که این فعل‌ها مؤلفه شیوه یا مسیر و یا هردوی آن‌ها را به همراه حرکت در ستاک خود ادغام می‌کنند، فعل‌های جمع‌آوری‌شده از گفتار کودکان و گروه گواه به‌صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

فعل‌های حرکت‌نما: آن‌دسته از فعل‌ها در این مجموعه قرار می‌گیرند که تنها و تنها مفهوم کلی حرکت را در خود جای داده‌اند. فعل حرکت کرد در جمله *از خانه به طرف غار حرکت کرد* مثالی از این دست فعل‌ها است. در این مثال، آزمون‌ور به شیوه حرکت اشاره نکرده و مسیر حرکت به‌صورت گروه حرف اضافه بیان شده است.

فعل‌های شیوه‌نما: فعل‌های حرکت‌نمایی که علاوه بر مفهوم کلی حرکت، شیوه حرکت را نیز در ستاک خود ادغام می‌کنند. فعل‌های *راه رفت، قدم زد، سُرخورد، قِل خورد، لیلیه کرد* و نیز فعل‌های ساده‌ای چون *چرخید و غلتید* از جمله فعل‌های شیوه‌نما هستند.

فعل‌های مسیرنما: فعل‌های حرکت‌نمایی که عنصر معنایی مسیر را به همراه مفهوم حرکت در ستاک خود واژگانی می‌کنند. مانند *رفت، آمد، رسید* و نیز فعل غیر ساده *وارد شد*.

فعل‌های شیوه + مسیرنما: فعل‌هایی که در کنار مفهوم کلی حرکت، هم مسیر و هم شیوه حرکت را در خود جای داده‌اند. فعل‌های *سُرخورد و لیزخورد* را می‌توان در این دسته قرار داد؛ زیرا ضمن دربرداشتن حالت حرکت، جهت بالا به پایین یا مسیر عمودی را نیز القا می‌کنند.

۲-۷. تابع و انواع آن در زبان فارسی

همان‌گونه که پیشتر در بخش تابع و انواع آن از دید تالمی بیان شد، تابع، وند وابسته (پیش‌فعل) یا تک‌واژ آزادی است که خواهر ستاک فعل محسوب می‌شود، اما در ساختار موضوعی آن دخالت ندارد. با توجه به مسائلی که به‌لحاظ روش‌شناسی در تعیین و تعریف

تابع فعل در زبان فارسی بیان شد، برای پی بردن به ماهیت دقیق این عناصر به بررسی‌های پیکره‌ای نیاز است. اما همان‌گونه که از نظر گذشت، رویکرد پیشنهاد ساسانی (۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) در تبیین فعل‌های غیر ساده‌ای که در این پژوهش از گفتار کودکان و بزرگسالان جمع‌آوری شد، امکان تمایز ستاک فعل از مقوله تابع فراهم آورد. بر این اساس می‌توان دو دسته تابع مسیر و تابع اشاری مسیر را در زبان فارسی بازشناخت:

تابع مسیر: قیدهایی مانند *بالا*، *پایین*، *تو (داخل)*، *خارج*، *بیرون*، *کنار*، *بر*، *در* و مانند آن که دامنه فرآیندهای مادی (فرآیندنا در فعل‌های گروهی) و یا سازه قیدی در فعل‌های جهت‌نما را تشکیل می‌دهند، می‌توانند معادل تابع‌های مسیر در نظر گرفته شوند:

۶. *برگشت توی غار.*

۷. *از خونه دراومد.*

۸. *از تپه رفت بالا.*

۹. *لیز خورد پایین.*

تابع اشاری مسیر: گروه‌های اسمی اشاری که به همراه حرکت بدن (به‌ویژه دست‌ها) مسیر و جهت حرکت را نشان می‌دهند:

۱۰. *رفت اون‌ور.*

۱۱. *رفت اون بالا.*

به این ترتیب، آن دسته از قیدهایی پیش‌فعل که به همراه فعل‌های جهت‌نما ظاهر می‌شوند، تابع‌های مسیر و جهت هستند. این تابع‌ها در صورتی که با سازه‌های خودایستای حاوی مفهوم مسیر حرکت همراه شوند، جهت دقیق حرکت را مشخص می‌سازند و اگر در کنار خودایستاهای شیوه‌نما یا حرکت‌نما قرار گیرند، مسیر کلی را در یک رویداد حرکتی باز می‌نمایانند. در جدول «۲» فهرستی از تابع‌های مسیر در زبان فارسی ارائه شده است.



جدول ۲ فهرست تابع‌های مسیر در زبان فارسی

تابع مسیر	فعل‌های جهت‌نما	تابع مسیر	فرآیندهای مادی	تابع اشاری مسیر ^{۳۱}	فرآیندهای مادی یا فعل‌های جهت‌نما
بالا	از کوه رفت بالا.	بالا	پرید بالا.	این‌وَر	رسید این‌ور.
پایین	داره از خیابون می‌آد پایین.	پایین	افتاد پایین.	اون‌وَر	بُردش اون‌ور
کنار	برو کنار بذار رد شم!	تو	اونو بندازش تو!	این‌طرف	اومد این‌طرف.
در-	از خونه دراومد.	بیرون	آشغالو پَرت کرد بیرون.	اون‌طرف	رفت اون‌طرف.
بر-	از غار برگشت خونه.	عقب	از همه عقب موند.	این بالا	برگشت این بالا.
باز-	به خانه بازگشت.	جلو	توپو بنداز جلو.	اون بالا	رفت اون بالا.
فرا-	به‌نزد پادشاه فرآمد.			این پایین	قل‌خورد این پایین.
فرو-	فرورفت توی زمین			اون پایین	انداخت اون پایین.
پَس-	مشتری جنس‌ها رو پس آورده!				
پیش-	حالا خودش یکتنه تا زمین حریف پیش می‌ره.				

۸. رمزگذاری رویدادهای حرکتی

زبان‌ها امکانات مختلفی برای سامان دادن اطلاعات مکان^{۴۲} و رمزگذاری آن‌ها در واحدهای زبانی در اختیار دارند. آن‌گونه که آلن^{۴۳} و همکاران (2007) به نقل از تالمی می‌گویند، زمانی‌که اهل زبان باید مسیر و شیوه حرکت را به‌طور همزمان رمزگذاری کنند، بسته به ردهٔ زبانشان، می‌توانند اطلاعات شیوه و مسیر را در یک یا دو بند سامان دهند. به این ترتیب، اهل زبان‌های تابع‌محور، شیوه و مسیر را در قالب یک بند بیان می‌کنند؛ درحالی‌که اهل زبان‌های فعل‌محور،

این اطلاعات را در دو بند پایه و پیرو به زبان می‌آورند. آزمون‌وران برای رمزگذاری شیوه حرکت به هنگام گفتار و زمانی که هم شیوه و هم مسیر حرکت به‌طور همزمان برایشان به نمایش درمی‌آید، امکان استفاده از دو ابزار زبانی ستاک فعل (مانند *داره سر می‌خوره*) و گروه‌های قیدی (چرخشی در *داره چرخشی می‌ره*) را در اختیار دارند. به‌جز دو حالت بیان‌شده، ممکن است شیوه حرکت اصلاً مورد توجه قرار نگیرد و به بیان درنیاید.

۸-۱. رمزگذاری شیوه

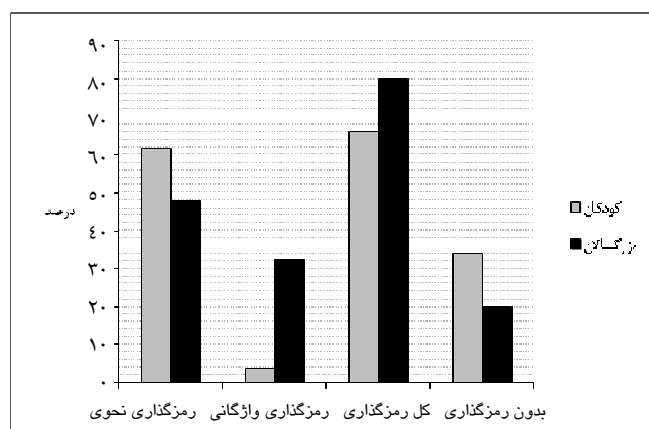
در این پژوهش داده‌های گفتار روایی دو گروه آزمون‌وران کودک (۲۵ نفر) و بزرگسال (۲۱ نفر) که با استفاده از نمایش و بازگویی ده کلیپ انیمیشنی جمع‌آوری شده، در قالب دو دسته کلی مسیر عمودی و افقی (و چهار جهت بالا به پایین، پایین به بالا، از خانه به غار و از غار به خانه) دسته‌بندی شد. پس از آن، ابتدا چگونگی سازمان‌دهی اطلاعات مربوط به شیوه حرکت نزد کودکان و گروه گواه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از آن، شیوه رمزگذاری مؤلفه مسیر در گفتار روایی این دو گروه بررسی گردید. به‌طور کلی، در گفتار کودکان و بزرگسالان، به‌ترتیب دوازده و پانزده فعل شیوه‌نما ثبت شده است که به شرح زیر هستند:

الف. فعل‌های شیوه‌نما در گفتار روایی کودکان: چرخیدن، چرخ‌خوردن، خود را چرخاندن، خود را انداختن، قل‌خوردن، خود را قل‌دادن، هل‌دادن، لیزخوردن، سرخوردن، پریدن، راه‌رفتن، اون‌طوری کردن؛

ب. فعل‌های شیوه‌نما در گفتار روایی گروه گواه: چرخیدن، چرخ‌خوردن، دور خود چرخیدن/گشتن، حول محور دور کردن، دور خود چرخ زدن، تاب‌خوردن، غلت خوردن/زدن، قل‌خوردن، پریدن، بپروبالا کردن، دور خود روتیت کردن، پریدن، پیچ‌خوردن، سرخوردن، قدم‌زدن.

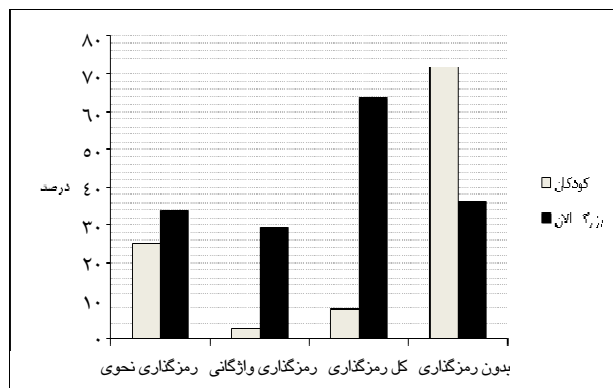
فهرست بالا نشان می‌دهد هر دو گروه مورد آزمون، هنگام بازگویی رویدادهای حرکتی، از تعداد محدودی فعل‌های شیوه‌نما استفاده می‌کنند؛ هرچند تنوع فعل‌های شیوه‌نما در واژگان اهل زبان بسیار بیشتر از این تعداد است، اما هنگام فکرکردن برای صحبت کردن تا آنجا که ممکن است، ساده صحبت می‌کنند و فعل‌های شیوه‌نمایی به کار می‌برند که توصیف

چندان ظریفی از شیوه حرکت ارائه نمی‌دهند. براساس تحلیل داده‌های زبانی، کودکان بیشتر از بزرگسالان تمایل به عدم رمزگذاری شیوه دارند. همچنین در مواردی که شیوه را بیان می‌کنند، بیشتر از بزرگسالان آن را در ستاک فعل ادغام می‌نمایند. در نمودار «۱» چگونگی و میزان رمزگذاری شیوه حرکت در مسیرهای عمودی در گفتار کودکان و گروه گواه مقایسه شده است.



نمودار ۱ مقایسه گفتار کودکان و گروه گواه از نظر چگونگی و میزان رمزگذاری شیوه در رویدادهای حرکتی با مسیر عمودی

مقایسه درصدی میزان رمزگذاری شیوه در مسیرهای افقی در نمودار «۲» آورده شده است. عدم بیان این مؤلفه معنایی در گفتار کودکان بسیار بیشتر از میزان رمزگذاری آن است؛ درحالی‌که گروه گواه تنها در نیمی از موارد از رمزگذاری شیوه چشم پوشیده‌اند.



نمودار ۲ مقایسه گفتار کودکان و گروه گواه از نظر چگونگی و میزان رمزگذاری شیوه در رویدادهای حرکتی با مسیر افقی

۲-۸. رمزگذاری مسیر

باتوجه به داده‌های گردآوری‌شده از گفتار کودکان و بزرگسالان، در بازگویی اطلاعات مربوط به مسیر رویدادهای حرکتی، دو امکان کلی استفاده از فعل شیوه + مسیرنما و یا فعل مسیرنما در اختیار اهل زبان قرار دارد که بسته به نوع رویداد حرکتی به همراه یا بدون حرف اضافه (مانند: رفت توی غار) و یا تابع (مانند: رفت بیرون) مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌جز این دو ممکن است فعل‌های شیوه‌نما یا حرکت‌نما نیز برای رمزگذاری اطلاعات مربوط به مسیر حرکت مورد استفاده قرار بگیرند. تنوع و تعداد فعل‌های به‌دست‌آمده از گفتار روایی کودکان و گروه گواه هنگام بازنمایی اطلاعات مربوط به مسیرهای عمودی و افقی در جدول‌های «۲» و «۳» آورده شده است.



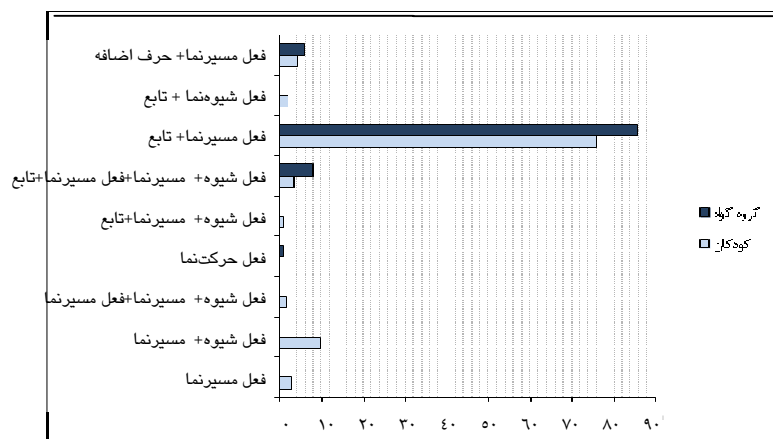
جدول ۳ تنوع فعل‌های مورد استفاده برای رمزگذاری مسیر عمودی در گفتار کودکان و گروه گواه

تعداد	تنوع فعل‌ها در گفتار گروه گواه	تعداد	تنوع فعل‌ها در گفتار کودکان
۱۰	سُر خوردن رفتن + تابع	۱۵	سُر خوردن
۱	برگشتن	۲	سُر خوردن رفتن
۱۰۲	رفتن/ آمدن + تابع	۱	سُر خوردن + تابع
۱	رسیدن + تابع	۵	سُر خوردن رفتن + تابع
۳	افتادن + تابع	۲	پريدن + تابع
۱	حرکت کردن	۳	رفتن/ آمدن
۸	رفتن/ آمدن + حرف اضافه	۱	افتادن
		۱۰۴	رفتن/ آمدن + تابع
		۲	افتادن + تابع
		۱	انداختن + تابع
		۶	رفتن/ آمدن + حرف اضافه

جدول ۴ تنوع فعل‌های مورد استفاده برای رمزگذاری مسیر افقی در گفتار کودکان و گروه گواه

تعداد	تنوع فعل‌ها در گفتار کودکان	تعداد	تنوع فعل‌ها در گفتار گروه گواه
۹	رفتن/ آمدن	۱	پرت شدن + تابع
۱	رد شدن	۱۲	رفتن/ آمدن
۱	برگشتن	۲	رسیدن
۱۰	در آمدن	۳	وارد شدن
۲۸	رفتن/ آمدن + تابع	۱	داخل شدن
۸۷	رفتن/ آمدن + حرف اضافه	۱	برگشتن
		۱	برگشتن رفتن
		۴	در آمدن
		۲۱	رفتن/ آمدن + تابع
		۱	انداختن + تابع
		۲	حرکت کردن
		۴۹	رفتن/ آمدن + حرف اضافه
		۴	برگشتن + حرف اضافه
		۳	رسیدن + حرف اضافه

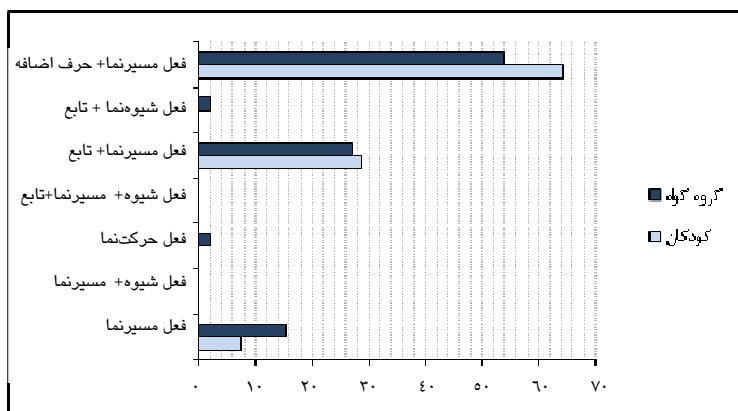
همان‌گونه که مشاهده می‌شود، استفاده از دو فعل رفت و آمد در گفتار هر دو گروه کودکان و گواه بسیار فراگیر است. هر دوی این فعل‌ها به جابه‌جایی و تغییر مکان (یا دور شدن از/ نزدیک شدن به ناظر) اشاره دارند و بنابراین از دسته فعل‌های مسير نما هستند.



نمودار ۳ درصد استفاده از الگوهای مختلف برای رمزگذاری مسیر در رویدادهای عمودی توسط کودکان و گروه گواه

همان‌گونه که در نمودار «۳» مشاهده می‌شود، استفاده از فعل‌های رفت و آمد به همراه تابع مسير، پربسامدترین الگو است. نمودار «۴» نیز درصد استفاده از الگوهای مختلف برای رمزگذاری مؤلفه مسیر توسط کودکان و گروه گواه را نشان می‌دهد. دو الگوی فعل مسير نما به همراه گروه حرف اضافه و تابع، پربسامدترین شکل بازنمایی مسيرهای افقی هستند و الگوی نخست درصد فراوانی بیشتری دارد.

میزان استفاده از فعل‌های مسير نما به همراه تابع مسير و پس از آن، همین فعل‌ها به همراه گروه حرف اضافه بیشترین فراوانی استفاده را در هر دو گروه کودکان و گواه نشان می‌دهند. نکته دیگر آن‌که کودکان در رمزگذاری مسيرهای عمودی با جهت بالا به پایین از فعل شيوه‌نمای سُرخوردن استفاده می‌کنند که گمان می‌رود هم شيوه و هم مسير را به‌طور هم‌زمان در ستاک خود ادغام می‌کند. به نظر می‌رسد این شيوه انباشت اطلاعات، آن‌ها را از به‌کارگیری سایر ابزارهای زبانی بی‌نیاز می‌کند.



نمودار ۴ درصد استفاده از الگوهای مختلف برای رمزگذاری مسیر در رویدادهای افقی توسط کودکان و گروه گواه

اما در بازگویی رویدادهای افقی و نیز رویدادهای عمودی با جهت پایین به بالا این شیوه حرکت در قالب الگوی فعل شیوه‌نما به همراه تابع مسیر به کار گرفته نمی‌شود و شاید بتوان گفت این امر، ادغام شیوه و مسیر در ستاک این فعل را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد آزمون‌وران ترجیح می‌دهند یک رویداد حرکتی واحد با مسیر عمودی را به صورت رویدادهای کوچک‌تر (یکی با برجستگی شیوه و دیگری با برجستگی مسیر) پُرش بزنند و با این کار ضمن متمرکز کردن توجه نسبتاً یکسان به شیوه و مسیر حرکت، هریک از این مؤلفه‌های معنایی را در بندهایی جداگانه در زبان رمزگذاری می‌کنند. اما در مورد رویدادهای افقی که خود به تنهایی از دو رویداد تشکیل شده‌اند (خروج از یک فضا و ورود به فضای دیگر)، توجه به شیوه حرکت کمتر می‌شود و در بیشتر موارد به زبان در نمی‌آید.

۹. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استناد به رویکرد ساسانی (۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) امکان جداسازی دقیق ستاک فعل از گروه خواهر آن فراهم گردید و به دنبال آن، مقوله تابع در نگاه تالمی (2000b) بازشناخته شد. به این ترتیب می‌توان گفت عناصر زبانی فهرست‌شده در جدول «۲» که

دبیرمقدم (۱۳۸۴) و ساسانی (۱۳۹۲) آن را «قید» و سامعی (۱۳۷۴) «پیش‌فعل» نامیده‌اند، از منظر تالمی (2000b) مقوله «تابع» را در زبان فارسی تشکیل می‌دهند. تابع‌های فارسی می‌توانند اشاری و یا غیر اشاری باشند و تا آنجا که داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، مسیر یا جهت حرکت را رمزگذاری می‌کنند.

براساس تحلیل داده‌های حاصل از گفتار روایی، در گستره پژوهش حاضر، کودکان شیوه حرکت را به‌طور کلی در ستاک فعل ادغام می‌کنند و رمزگذاری واژگانی شیوه بسیار اندک است (نک. نمودار ۱ و ۲)؛ به عبارت دیگر، شیوه حرکت یا اصلاً بیان نمی‌شود یا آن‌که در ستاک فعل ادغام می‌شود. علاوه بر آن، رمزگذاری شیوه در مورد رویدادهای حرکتی عمودی بسیار بیشتر از مسیرهای افقی است. کودکان در بیشتر موارد از بیان شیوه حرکت در مورد رویدادهای افقی خودداری می‌کنند.

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد بزرگسالان نیز هنگام بازگویی رویدادهای حرکتی، به شیوه حرکت اشاره می‌کنند و در بیشتر موارد آن را به‌صورت فعل‌های شیوه‌نما به بیان درمی‌آورند. اما در مورد رویدادهای حرکتی افقی، میزان اشاره به شیوه حرکت کمتر از رویدادهای عمودی است.

درباره بازنمایی مؤلفه مسیر در صورت‌های زبانی، آن‌گونه که از بررسی داده‌های این پژوهش برمی‌آید، هر دو گروه کودکان و گواه، از الگویی مشابه استفاده می‌کنند که به قرار زیر است:

فعل مسیرنما برای نشان دادن مسیر، به‌همراه (یا بدون) تابع یا گروه حرف اضافه برای تأکید بر جهت حرکت

به‌جز الگوی بالا، استفاده از فعل‌های شیوه‌نما + مسیرنما، شیوه‌نما و حرکت‌نما نیز در گفتار هر دو گروه مشاهده شده که بسامد بسیار کمتری دارند و نمی‌توان آن‌ها را الگویی فراگیر در نظر گرفت. بنابراین فعل‌های مسیرنمای رفت و آمد به همراه تابع مسیر یا گروه حرف اضافه پربسامدترین ابزار زبانی (یا الگوی غالب) مورد استفاده برای هر دو گروه کودک و بزرگسال است و تفاوت‌های اندکی که در خصوص رمزگذاری کمتر شیوه حرکت در گفتار آن‌ها مشاهده می‌شود، در جریان رشد زبانی از بین می‌رود.

باتوجه به ویژگی‌های گفتار روایی کودکان و گروه گواه، اهل زبان فارسی (در گستره این



پژوهش) مسیر حرکت را هم در ستاک فعل ادغام می‌کند و هم در قالب تابع رمزگذاری می‌کنند. ادغام شیوه حرکت در ستاک و بازنمایاندن مسیر در تابع فعل، آن‌گونه که تالمی (2000b) برای رده تابع‌محور، به‌ویژه زبان‌های خانواده هندواروپایی متصور است، جزو کم‌بسامدترین الگوهای واژگانی‌شدگی است. افزون بر آن، این پژوهش نشان می‌دهد فارسی‌زبانان هنگام بازگویی رویدادهای عمودی، از تابع مسیر به همراه فعل مسیرنما استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که در مورد رویدادهای افقی از فعل مسیرنما به همراه گروه حرف اضافه برای بیان مسیر حرکت بهره می‌گیرند. بنابراین از مجموع آنچه در این بخش مطرح شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که زبان فارسی در چارچوب رده‌بندی دوگانه تالمی (2000b)، در رده زبان‌های فعل‌محور جای می‌گیرد؛ زیرا آن‌گونه که از گفتار روایی هر دو گروه کودک و گواه در این پژوهش برمی‌آید، مسیر حرکت در ستاک دو فعل مسیرنمای رفت و آمد ادغام می‌شود. در رویدادهای با مسیر عمودی که در آن‌ها گذر از مرز رخ نمی‌دهد، تابع مسیر در کنار فعل مسیرنما، جهت دقیق حرکت را مشخص می‌کند. اما زمانی‌که مسیر، افقی است و رویداد حرکتی از نوع مرزگذر، گروه حرف اضافه همراه فعل مسیرنما، جهت حرکت از/ به سمت زمینه را بیان می‌کند. به نظر می‌رسد اهل زبان فارسی، مانند اهل زبان فرانسه (که یک زبان فعل‌محور تلقی می‌شود)، تمایل دارند اطلاعات مربوط به مسیر و شیوه را در پاره گفتار توزیع کنند: رویدادها را به بُرش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنند، از هر یک تصویری ارائه می‌دهند که در یکی شیوه و در دیگری، مسیر برجسته‌تر است و از کنارهم‌گذاشتن آن‌ها، تصویر کاملی از کل رویداد می‌سازند (Vide. Hickmann, 2009: 733).

۱۰. پی‌نوشت‌ها

1. motion events
2. lexicalization patterns
3. conflate
4. satellite-framed
5. verb-framed
6. Post-Greek
7. elicitation tool
8. Bohnemeyer, Jürgen, Sonja Eisenbeiss & Bhuvana Narasimhan. 2001. Event triads. In Stephen C. Levinson & N. J. Enfield (eds.), Manual for the field

- season 2001, 100-114. Nijmegen: Max Planck Institute for Psycholinguistics.
<http://fieldmanuals.mpi.nl/volumes/2001/event-triads/>
9. Max Planck Institute (MPI)
 10. thinking for speaking
 11. D. Slobin
 12. Berman, R & Slobin, D. (1994). *Relating Events in Narrative*
 13. Mqvist, Sven Str, Sven Strömqvist, and Ludo Verhoeven, eds. (2004 & 2013).
Relating Events in Narrative, Volume 2: Typological and Contextual Perspectives.
 14. J. Zlatev
 15. M. Hickmann
 16. Ibarretxe-Antuñano
 17. serial verb construction
 18. overt linguistic forms
 19. Figure
 20. Ground
 21. Manner
 22. Cause
 23. Path
 24. Motion
۲۵. تالمی از آن جهت پیشنهاد می‌کند که مسیر را یک مؤلفه معنایی ثابت فرض کنیم که هر حرکتی، به هر شکلی که باشد، به هر علتی که رخ دهد و چه انتقالی باشد، چه ایستا، مسیر، مؤلفه‌ای ناگزیر و اجباری است.
26. internal component
 27. translational motion
 28. self-contained motion
 29. external component
 30. Co-event
 31. bound affixes
 32. verb particle
 33. deictic
 34. anaphor
۳۵. Nez Perce: مردمان بومی ساکن منطقه شمال غرب اقیانوس اطلس در ایالات متحده آمریکا و زبان آن‌ها.
۳۶. Polynesian: مردمانی که در جزایر پلی‌نزی، منطقه‌ای در اقیانوسیه، متشکل از هزار جزیره در جنوب و مرکز اقیانوس اطلس، زندگی می‌کنند و زبان آن‌ها.
۳۷. Caddo: بومیان جنوب شرقی آمریکا و زبان آن‌ها.
۳۸. Atsugewi: بومیان ساکن در شمال شرق کالیفرنیا و زبان آن‌ها.



39. relational process

40. attribute

۴۱. به جز قیدها، گروه‌های اسمی که به همراه ضمیرهای اشاری این و آن می‌آیند (مانند رفت اون اتاق) را نیز شاید بتوان تابع‌های اشاری نامید که هم مسیر و هم زمینه را بازمی‌تابانند. اما از آنجا که در زبان فارسی حذف حرف اضافه پدیده‌ای معمول است، نمی‌توان این صورت‌ها را با اطمینان، «تابع» در نظر گرفت.

42. spatial information

43. S. Allen

۱۱. منابع

- ازکیا، ندا (۱۳۹۰). *حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناختی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۲). «بررسی رده‌شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. (دانشگاه تربیت مدرس). مقالات آماده انتشار. (تاریخ انتشار آن‌لاین: ۱۳۹۲/۳/۱۲).
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». *مجموعه مقالات پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. (صص ۱۴۹-۱۹۹).
- ساسانی، فرهاد (۱۳۹۰). «آیا انضمام و ترکیب در زبان فارسی توجیه‌پذیر است؟» *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی صرف*. به‌کوشش فریبا قطره و شهرام مدرس صادقی. تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران و اهورا (صص ۸۱-۱۰۶).
- ----- (۱۳۹۲). «الگوی دیگر برای فعل فارسی». *نشریه نشانه‌شناسی و کاربردشناسی*. ج ۱. ش ۱. صص ۱-۳۰. (ر.ک: <http://www.fsasani.com>).
- سامعی، حسین (۱۳۷۴). «تکیه فعل در زبان فارسی» (بررسی مجدد). *نامه فرهنگستان*. ش ۴. صص ۶-۲۲.
- مسگر خویی، مریم (۱۳۹۲). *بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی*. رساله دکتری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References:

- Allen, S.; A. Özyürek; S. Kita; A. Brown; R. Furman; T. Ishizuka & M. Fujii (2007). "Language-specific and universal influences in children's syntactic packaging of manner and path: A comparison of English, Japanese and Turkish". *Cognition*. Vol. 102. No. 1. pp. 16-48.
- Azkia, N. (2011). *Motion in Persian Language: A Typological and Cognitive Perspective*. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch [In Persian].
- Bowerman, M. & S. Choi (2003). "Space under construction: Language-specific spatial categorization in first language acquisition". *Language in Mind: Advances in the Study of Language and Cognition*. pp. 387-428.
- Brown, A.; A. Özyürek; S. Allen; S. Kita; T. Ishizuka & R. Furman (2005). "Does event structure influence children's motion event expressions?". In *29th Boston University Conference on Language Development*.
- Choi, S. & M. Bowerman (1991). "Learning to express motion events in English and Korean: The influence of language-specific lexicalization patterns". *Cognition*. Vol. 41. No. 1. pp. 83-121.
- Dabir-moghaddam, M. (2005). "Compound verbs in Persian". *Studies in Persian Linguistics*. Tehran: SAMT. Pp. 149-199 [In Persian].
- Feiz, P. (2011). "Traveling through space in Persian and English: A comparative analysis of motion events in elicited narratives". *Language Sciences*. Vol. 33. No. 3. pp. 401-416.
- Hamed Shirvan, Z. & S. Sahrifi (2014). "A Typological analysis of satellite in the event structure of motion verbs in Persian". *Language Related Research*. Vol. 5. No2. Tehran: Tarbiat Modares University. Pp. 71-89 [In Persian]
- Hickmann, M. & H. Hendriks (2012). "Typology and event types in the expression of motion across child languages: A comparison of English, German, French and Chinese". *Conférence Plénière, 25èmes Journées de Linguistique*



d'Asie Orientale. Crlao, Ehess, Paris.

- Hickmann, M.; P. Taranne & P. Bonnet (2009). "Motion in first language acquisition: Manner and path in French and English child language". *Journal of Child Language*. Vol. 36. No. 4. pp. 705-741.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2009). "Path salience in motion events". *Crosslinguistic Approaches to the Psychology of Language: Research in the Tradition of Dan Isaac Slobin*. pp. 403-414.
- Ji, Y.; H. Hendriks & M. Hickmann (2011). "How children express caused motion events in Chinese and English: Universal and language-specific influences". *Lingua*. Vol. 121. No. 12. pp. 1796-1819.
- Mesgar Khoei, M. (2013). *Representation of Motion Event in Persian Language: a Cognitive Approach*. Ph.D. Dissertation. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Mqvist, S. S.; S. Strömqvist & L. Verhoeven (Eds.). (2004). *Relating Events in Narrative, Volume 2: Typological and Contextual Perspectives*. Vol. 2. Lawrence Erlbaum Associates. Inc.
- Özçalışkan, Ş. & D. I. Slobin (2003). *Codability Effects on the Expression of Manner of Motion in Turkish and English*. In *Studies in Turkish Linguistics*. Istanbul: Boğaziçi.
- Papafragou, A.; C. Massey & L. Gleitman (2002). "Shake, rattle, 'n'roll: The representation of motion in language and cognition". *Cognition*. Vol. 84. No. 2. pp. 189-219.
- Papafragou, A.; C. Massey & L. Gleitman (2006). "When English proposes what Greek presupposes: The cross-linguistic encoding of motion events". *Cognition*. Vol. 98. No. 3. pp. 75-87.
- Pourcel, S. (2003). "Rethinking 'thinking for speaking'". In *Proceedings of the Annual meeting of the Berkeley Linguistics Society*. Vol. 29. No. 2. pp. 349-358.
- ----- (2004). "What makes path of motion salient?". In *Proceedings of the*

- Annual Meeting of the Berkeley Linguistic Society*. Vol. 30. No. 2. pp. 505-516.
- Samei, H. (1995). "Verbs stress in Persian language (reviewed)". *Letters of Academy*. No. 4. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. Pp. 6-22 [In Persian].
 - Sasani, F. (2011). "Are incorporation and compounding justifiable in Persian language?" . *Proceedings of the Third Morphology Seminar*. Ghatreh, F., Modares Sadeghi, S. Tehran: Iranian Linguistics Society. Pp. 81-106 [In Persian].
 - ----- (2013). "A new pattern for Persian verbs". *Semiotics and Pragmatics Journal*. Vol. 1. No. 1. pp. 1-30 [In Persian].
 - Slobin, D. I. (2004). "The many ways to search for a frog". *Relating Events in Narrative*. Vol. 2. pp. 219-257.
 - ----- (2006). "Explorations in linguistic typology, discourse and cognition". *Space in Languages: Linguistic Systems and Cognitive Categories*. Vol. 66. pp. 59-81.
 - Talmy, L. (2000 b). *Toward a Cognitive Semantics. Vol. 2: Typology and Process in Concept Structuring*. The MIT Press.
 - ----- (2000a). *Toward a Cognitive Semantics. Vol. 1: Concept Structuring Systems*. The MIT Press.
 - Zlatev, J. & P. Yangklang (2004). *A Third Way to Travel*. Strömquist S. & Verhoeven L. (eds). pp. 191-218.